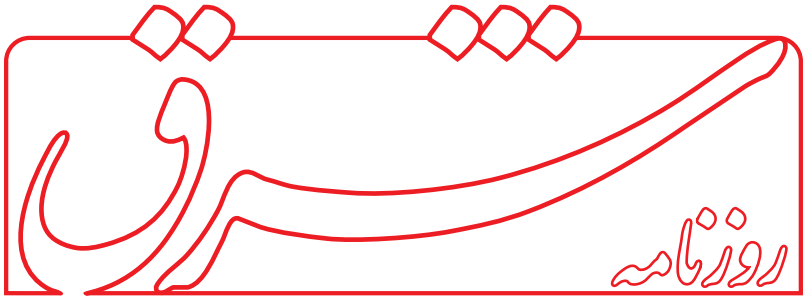




روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران
 صاحب امتیاز و مدیر مسئول: مهدی رحمانیان
 نشانی: میدان آرژانتین، خیابان زاگرس، پلاک ۹، ساختمان شرق، طبقه همکف
 تلفن: ۸۸۶۵۴۳۹۱-۲ نمایر: ۸۸۸۸۰۷۱۹-۰۷۱۹-۸۸۸۸۰۷۱۹
 امور مشترکین: تلفن: ۲۲-۸۸۸۱۴۳۳۰ نمایر: ۸۸۸۱۴۳۹
 توزیع: شرکت پیام‌رسان بیروز تلفن: ۵-۶۶۱۸۳۱۳۰
 چاپ: نشر روزتاب تلفن: ۴۴۵۴۵۰۷۶
 www.sharhnewsaper.ir

تهران : اذان ظهر ۱۱:۵۲ اذان مغرب ۱۷:۱۱ اذان صبح فردا ۵:۲۵ طلوع آفتاب ۶:۵۴



سه‌شنبه ۸ آذر ۱۳۹۰ - ۳ محرم ۱۴۳۲ - ۲۹ نوامبر ۲۰۱۱ - سال نهم - شماره پیاپی ۱۴۰۵ - شماره دوره جدید ۲۰ صفحه

بخش مستند اختلاف «آسانز» و روزنامه‌نگاران انگلیسی



ایسنا: مستندی راجع به اختلاف «جولین آسانز» و روزنامه‌نگاران انگلیسی امروز از تلویزیون «more» پخش می‌شود. جولین آسانز، بنیانگذار وبسایت «ویکی‌لیکس» اخیراً روزنامه‌نگاران انگلیسی را شدیداً مورد تهاجم لفظی خود قرار داده و روزنامه‌نگاری این کشور را صنعتی از پشت جزئیات و سارق مدارک خوانده است سال گذشته آسانز، نیویورک تایمز، «گاردین» و روزنامه «المانی» «شیپگل» به توفیق رسیدند، اسناد دیپلماتیک دولت آمریکا را فاش کنند، اما سرانجام این توفیق به نزع انجامید.

پرسش از فرهنگ

تعلق فرهنگی چیست



ناصر فکوهی

هر بار از مولفه‌های فرهنگی سخن می‌گوییم، از ساده‌ترین تا پیچیده‌ترین آنها، همچون نظام‌های نامگذاری، دایره‌های همسرگزینی، سلاقی هنری، شیوه‌های سازمان‌یافتگی و مدیریت زندگی روزمره، جهان‌بینی‌های افراد و گروه‌های اجتماعی، نظام‌های تربیتی و غیره، این پرسش مطرح می‌شود که چرا افراد با وجود تفاوت‌های فردی گاه نسبتاً زیاد شخصی، بنا بر مورد، به صورت تقریباً یکسانی از این مولفه‌ها دیدی یکسان داشته و به خصوص به چه دلیل نسبت به آنها احساس «تعلق» می‌کنند؟ در اینجا بدون آنکه خواسته باشیم خود را در چارچوبی کارکردگرا قرار دهیم، یعنی لزوماً وجود پدیده‌ها را از طریق «پایه اجتماعی» و «عائیتی» که یک جامعه برای آنها در نظر گرفته و کمابیش به عمل درمی‌آید، در نظر بگیریم، باید به این نکته اساسی اشاره کنیم که وجود تعلق‌های اجتماعی که آنها را می‌توان هم در دستگاه‌های شناختی افراد گوناگون مشاهده کرد و هم در دستگاه‌های زبانی آنها، به خودی خود گویای آن است که نیازی به ایجاد نوعی «انسجام اجتماعی» در این سطوح وجود داشته است. بحث ما به شرایطی محدود می‌شود که در جامعه مدرن و دولت ملی و موقعیت‌های دموکراتیک یا نیمه‌دموکراتیک قرار داشته باشیم. در چنین موقعیت‌هایی، «حساس تعلق فرهنگی» و وجود «وفاداری‌های فرهنگی» را باید در بروز نشانه‌شناختی، زبان‌شناختی و کنشی مجموعه‌ای از رفتارها و باورها دانست که خود را در کالبد فرد و در کالبد‌های گروهی و حتی نهادها و کالبد‌های بزرگ اجتماعی نشان می‌دهند و می‌توانند به سختی قوانینی باشند که عدم رعایت آنها با مجازات همراه باشد یا دست‌کم حکم عرف‌های اجتماعی را داشته باشند که تخطی از آنها فرد را کمابیش حاشیه‌ای کند.

اگر خواسته باشیم نمونه‌هایی از این رفتارها و باورها بیابیم، می‌توانیم به‌سادگی به مجموعه بزرگی از «کلشه‌ها» (stereotypes)‌های اجتماعی اشاره کنیم که دایماً با آنها سروکار داریم از چگونگی رفتارهای ما، اغلب به صورت ناخودآگاه، در موقعیت‌های اجتماعی گوناگون که در زبان متعارف با نام‌هایی چون «تربیت»، «ادب»، «فتنار شایسته» و غیره طبقه‌بندی می‌شوند گرفته تا اظهار نظرها و بیان‌های زبانی و عقیدتی باز هم در «ستارپوهایی شناختی» (cognitivescripts) گوناگونی که هر فرد در طول حیات روزمره و درازمدت خود با آنها روبه‌رو می‌شود: برای مثال چگونگی ابراز همدردی، تریک گفتن، اظهار همبستگی، پیشنهاد کمک به دیگران، دادن یا برعکس عدم پذیرش تقاضایی که به فرد به عنوان فرد یا به عنوان یک تناقض اجتماعی انجام می‌شوند. کلید اصلی در اینکه چرا افراد به یک صورت، پدیده‌ها را «می‌بینند» و «حس می‌کنند» و به «بان» می‌آورند و اینکه چرا و چگونه در موقعیت‌های نسبتاً یکسان واکنش‌های نسبتاً یکسان نشان می‌دهند، در انسجام ناگزیر نظام‌های شناختی و زبان‌شناختی است که از طریق نظام‌های قدرت در همه سطوح آن به کل افراد یک جامعه تحمیل شده و در آنها درونی می‌شوند، به صورتی که افراد این ساختارها را به صورت خودکار و ناخودآگاه در خویش درمی‌آورند و آنها را بیرون قلمداد نمی‌کنند. در این میان تعریفی که در جهان امروز از این گونه تعلق‌ها و وفاداری‌ها داده می‌شود، اهمیت بسیار زیادی می‌یابند و این همان فرآیندی است که شیوه‌های توتالیتراریستی را در جهان امروز هر روز سخت‌تر و اجزای آنها را پرهزینه‌تر می‌کند:

تلاش برای یکسان‌سازی تعلق‌ها و وفاداری‌ها، به معنای عدم درکی است که نه فقط این فرآیندها را در اصل و منشأ بیولوژیک و ابتدایی آنها نفهمیده، بلکه بیشتر و حادث و حتی خطرناک‌تر از آن، موقعیت‌های پامدرن جوامع گذر کرده از انقلاب اطلاعاتی و تکنر یافته هویتی و شناختی و زبان‌شناختی امروزین را نمی‌فهمد و بهینه مربوط به خود را با خطری دایم از آنومی روبه‌رو می‌کند. اینکه امروز از افراد جوامعی که دایماً در فرآیندهایی بی‌شمار از انگیزه‌های حسی واقعی و مجازی از خلال میلیاردها تصویر و نشانه و بیان و صدا و نماد و غیره قرار دارند، بخواهیم که تمام این نشانه‌های بی‌پایانی را که هر روزه با آنها بمباران می‌شوند و خود نیز در روند تولید و بازتولید آنها همچون در مصرف‌شان شریکند، فراموش کرده و نظم زبانی و نشانه‌شناختی تقلیل‌یافته‌ای را بپذیرند که از منشأ واحدی صادر می‌شود، دیگر نه نوعی خیالی‌بافی بلکه نوعی شی‌زورنی اجتماعی همان قدر پرهزینه است که خطرناک.

بوی جوی مولیان

موقوفات دکتر افشار در تهران تقدیر می‌کند

اهدای جایزه به ایرانشناس ایتالیایی



علی دهشاهی

آخرین انتخاب ایرج افشار در زمینه ایران‌شناسی هفته آینده به ثمر خواهد رسید. جایزه تاریخی و ادبی دکتر محمود افشار‌یزدی براساس وصیت وی از سال ۱۳۶۸ آغاز شد و تاکنون به شخصیت‌های مهم ایرانی و خارجی در حوزه ادبیات و ایران‌شناسی تعلق گرفته است، از آن جمله می‌توان به نذیر احمد از هندوستان، غلامحسین یوسفی، امین عبدالمجید بدوی از مصر، سیدمحمد دبیرسیاقی، ظهوالدین احمد از پاکستان، منوچهر ستوده، جان هون نین از چین، کمال‌الدین عینی از تاجیکستان، کلیفورد ادموند باسورث از انگلستان، عبدالحسین زرین کوب، فریدون مشیری، کورو یانگی از ژاپن، ریچارد نلسون فرای از آمریکا، هانس دیویرن از هلند، نجیب مایل هروی از افغانستان، شارل - هانری دوفوشه کور از فرانسه، بدرالزمان قریب، برت فراگنر از اتریش و احمد منزوی اشاره کرد.

اکنون در آستانه برگزاری بیستمین دوره جایزه ادبی و تاریخی دکتر محمود افشار یزدی آخرین انتخاب ایرج افشار که در زمان حیاتش بررسی کرده بود به پروفیسور

ابوعطا

دلار چیست و چرا؟



هادی چیردار

گردانده لاید معلم‌های ما هم از محاسبات او سر در نمی‌آورند که الان در این سن و سال، دکتر اکبرزاده هنوز در دبستان درس می‌خواند.

اما دکتر پورساحلی نظر دیگری داشت و معتقد بود که چون دلار همان تومان خارجی می‌باشد، پس یک دلار در اصل باید یک تومان باشد. اما الان یک دلار نزدیک به هزار و ۴۰۰ تومان شده می‌باشد و بنابراین یک تومان الان هزار و ۴۰۰ تومان می‌باشد. البته ما هم محاسبات دکتر پورساحلی را زیاد نفهمیدیم، چون دکتر پورساحلی هر چند که خیلی سر کلاس‌ها دلقک‌بازی می‌گرداند، اما فامیل‌هایش در خارج می‌باشند و حتماً او خیلی از امور کاپیتانیسم و استعمار جهان‌خوار سررشته می‌باشد. خلاصه ما در کار گروه خود نتیجه‌ای نگردانیم، بنابراین آخر سر از معلم خود گردانیم که آقا اجازه، امروز یک تومان چند تومان می‌باشد؟ اما معلم ما یک‌جوری به ما نگاه گردانید که انگار ما از عوامل سهلونیسم و موسا و فمینیسک‌ها می‌باشیم و در روزنامه‌ها مطلب می‌نویسیم و می‌خواهیم جنجال شکنی گردانیم. بنابراین ما سرمان را پایین انداختیم و به کار گروه خود برگشتیم.

بنابراین ما از بررسی‌های کارشناسی خود و نگاهی که معلم گرامی ما به ما انداختند نتیجه می‌گیریم که نه قیمت دلار و نه قیمت تومان اصلاً موضوعات مهمی نمی‌باشند و معلم ما این موضوع را برای امتحان کردن ما داده‌اند تا ببینند آیا ما در برابر جنجال شکنی مقاوم هستیم یا ممکن است به دام فمینیسک‌ها بیفتیم. ضمناً دلار موضوع مهمی نمی‌باشد و فقط استعمار جهانی می‌خواهند آن را مهم بگردانند و قیمت تومان خیلی مهم‌تر می‌باشد. اما قیمت تومان هم مهم نمی‌باشد و نباید درباره آن هم حرف زد و کار گروه گردانند. بنابراین ما در اینجا برادرانه از دکتر اکبرزاده و دکتر پورساحلی و کارشناس ارشد خودمان تقاضا می‌کنیم که به دام نیفتند و درباره این موضوعات انحرافی ائشا نگردانند. خلاصه ما در کار گروه تعیین قیمت تومان، هزاران ساعت بحث کارشناسی گردانیم. مثلاً دکتر اکبرزاده می‌گفت که الان یک تومان ۱۹ تومان است؛ چون که قبلاً سالدویج سوسیس هزار تومان بوده و الان شده چهار هزار تومان. البته ما که نفهمیدیم اکبرزاده چطور حساب

تالار کوچک

وقتی پارچه‌ها سفر می‌کنند

رضا ثروتی

سالیانی می‌شود که اعجاز نمایش‌های ایرانی در فضای خالی و بی‌چیزی رخ می‌دهد که حتی از تجربه‌های بنیان این امر «پتر بروک» انگلیسی و «رزی گروتوفسکی» لهستانی نیز پیشرفته‌تر و سازمان‌یافته‌تر شده است. ایرانی‌ها امکانات عدم حضورها را چنان بسط و گسترش داده‌اند که گاه لنت‌های چند در چند دیوار می‌شود و در و میز و آدم و تخت، گاه چترها تنگ می‌شوند و شمشیر و کاسه و شکم. این آخرها هم در اعجازی دیگر به کارگردانی زهره بهروزی‌نیا و روایتی به قلم نیما دهقانی بر دار کردن حسین بن منصور حلاج روی یکی از صحنه‌های تئاتر شهر (تالار سایه) رخ می‌دهد. روایتی که از نگاه زنی

کارتون‌خواب



جمال رحمتی
 jamalrahmati@yahoo.com



محکمه

حشره‌کش



جهانگیر هدایت

برای اولین‌بار سم حشره‌کش ددنت به ایران آمده بود که آن را با نفت مخلوط کرده با دستگاه سمپاشی می‌پاشیدند. این سم مدتی باقی می‌ماند و هدف، از بین بردن پشه ناقل بیماری مالاریا بود. ولی ددنت برای محیط‌زیست ما یک سم جدید بود.

یک روز در یکی از دهات وقتی مامور سم پاشی سقف اتاقی را سم‌پاشی کرد ناگهان از سقف پوشالی اتاق رتیل و موش و مار و پرنده ریختند روی زمین. این سم برای آنها به قدری قوی و ناشناخته بود که همه را کشته و من و سمپاش هم از اتاق فرار کردیم چون مارها و رتیل‌ها می‌توانند پشه‌ها را بکشند و خطرناک بودند. من به مناسبت تخصصی که داشتم مارها و رتیل‌ها را بررسی کردم سمی نبودند ولی هرچه از سقف ریخته بود جمع کرده گردیم توی یک کیسه که باید می‌فرستادیم به آزمایشگاه تهران. در شمال ایران اندکس طحلال در بعضی نقاط مثل لشت نسا ۹۹ درصد بود. یعنی تقریباً همه به مالاریا دچار بودند. این همت متصدیان بهداشت بود که مالاریا ریشه‌کن شد.

ما برای سمپاشی در خانه روستایی‌ها مشکل داشتیم. مشکوک بودند و می‌گفتند از کجا معلوم که این سم برای زن و بچه ما هم خطرناک نباشد؟ وقتی بر اثر سمپاشی هرچه جک و جانور بود از سقف فرو ریخت، نه تنها مقاومت‌ها از میان رفت بلکه همه متقاضی شدند نوبت سمپاشی خانه آنها جلو بیفتد و سر این موضوع هم ما گرفتاری جدیدی پیدا کردیم. بالاخره با نظر کدخدا و شورای ده قرار شد اولویت‌ها را آنها معلوم کنند و ما فقط مجری سمپاشی باشیم و به این ترتیب این مشکل را انداختیم گردن معتمدین ده.



نام‌های به‌تب

- ناز نگران
- فاطمه معتمدآریا
- شبنم مقدمی
- احمد ساحبیان
- علیرضا محمدی
- پانته آ پناهی‌ها
- محمدرضا حسین زاده
- عائشہ تهرانی
- مریم شیرازی
- آنکیده‌وارش
- موسیقی
- آکتیو دانش
- طراح لباس
- گلنار گلشن